

ارزیابی مشارکتی مدیریت فاجعه در روستاهای زلزله زده بم

(مطالعه موردی روستای درب باغ)

حمیدرضا زرننگار*

عباس رحیمی**

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۱۰

چکیده

موضوع این مقاله ارزیابی مشارکتی مدیریت فاجعه در روستاهای زلزله زده بم (مطالعه موردی روستای درب باغ از توابع دهستان خواجه عسگر بخش مرکزی شهرستان بم) می باشد و هدف آن ارزیابی مشارکتی روستاییان از نحوه مدیریت جامعه محلی در سوانح طبیعی و چگونگی عملکرد مدیریت دولتی و غیردولتی بحران است. در ارزیابی مشارکتی جامعه جلب مشارکت روستاییان در ارائه نقطه نظرات و راه کارهای

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

** عضو هیئت علمی وزارت جهاد کشاورزی

پیشنهادی برای بازسازی مناطق زلزله زده از اصول مهم مطالعه به شمار می‌آید. در این مطالعه برای آنکه چارچوب عملیات میدانی مشارکتی سانحه براساس مفاهیم کلی مدیریت فاجعه طراحی شود، نخست براساس مبانی نظری موجود مدیریت فاجعه به مراحل مختلف آمادگی (تخفیف فاجعه) و مراحل امداد، ترمیم و بازسازی (پاسخ به فاجعه) تقسیم شد و سپس در هر یک از مراحل نقش مردم محلی و چگونگی مدیریت فاجعه توسط آنان در تمام مراحل سازماندهی، هماهنگی و برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفت. سپس برای عملیاتی کردن پژوهش طی جلسات متعدد با گروه تسهیل‌گران، ابتدا اهداف عمده در اختیار آنها قرار گرفت و از آنها خواسته شد با توجه به چارچوب اهداف پژوهش، مباحث اصلی، سئوالات مربوط و تکنیک‌های مناسب برای پاسخ به سئوالات را طی مباحثات گروهی خود مشخص سازند. برنامه میدانی این مطالعه طی یازده روز نشست مشارکتی با تسهیل‌گران و سپس اهالی روستای درب باغ شکل گرفت. نتایج تحلیل جامعه محلی از چگونگی مدیریت فاجعه و ارزیابی آنها از عملکرد نهادهای درگیر در حادثه زلزله در این روستا از موضوعات این مقاله می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت فاجعه، مدیریت بحران، زلزله، ارزیابی مشارکتی

روستایی، شهرستان بم.

مقدمه

جمعه پنجم دی ماه سال ۱۳۸۲ ساعت ۵:۲۷ بامداد، زلزله ای به قدرت ۶/۶ در مقیاس ریشتر شهر بم و اطراف آن را لرزاند. نقشه‌های پهنه بندی تخریب که در همان روزهای ابتدایی پس از زمین لرزه تهیه شد، گویای تمرکز تخریب در خط شمالی - جنوبی در مسیر گسل زمین شناختی بم و تمام مناطق مسکونی شهر بم است. در محدوده ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی مرکز شهرستان بم، مناطق بروات سفلی و بروات

وسطی از توابع این شهرستان از ۳۰ تا ۸۰ درصد تخریب شد^۱ که بخشی از این مناطق روستایی است. مجموع تلفات انسانی زلزله در روزهای آغازین پس از حادثه، بیش از ۴۳۰۰۰ نفر کشته، ۲۰۰۰۰ نفر مجروح و ۶۰۰۰۰ نفر بی خانمان تخمین زده شد. اما عباسعلی زالی رئیس مرکز آمار ایران سه ماه بعد آمار تلفات زلزله را ۲۶۲۷۱ نفر کشته، بیش از ۹۰۰۰ نفر مجروح و ۵۲۵ نفر مفقودالامر اعلام کرد. برآورد مرکز آمار ایران جمعیت روستایی این شهرستان را تا قبل از وقوع زلزله ۱۰۸۶۴۱ نفر ذکر نموده است.^۲ برخی برآوردها بیانگر تلفاتی بالغ بر ۱۷۰۰ نفر کشته بر اثر زلزله در ۲۰ روستای این شهرستان است.^۳ برخی از روستاهای دورافتاده تر در شعاع ۳۰ کیلومتری شمال شرقی و جنوب شرقی در روزهای نخستین زلزله با کمبودهایی در مواد غذایی، تخریب‌هایی در بنای منازل و تعطیلی مدارس مواجه شدند، ۲۰ حلقه چاه از ۹۵ حلقه چاه تامین کننده آب روستاها دستخوش خسارت شد.^۴ علاوه بر آن ۲۵ حلقه قنات از مجموع ۶۴ حلقه قنات روستاها تخریب شد.

پس از وقوع زلزله بم موضوع بررسی ابعاد و آثار این سانحه طبیعی بر زندگی بخش قابل توجهی از جمعیت مصیبت زده یعنی روستاییان و چگونگی مواجهه آنان با این رویداد استثنایی و در عین حال ناخوشایند برای بخشهای اجرایی و تحقیقاتی از اهمیت برخوردار بود. جنبه‌های گوناگون این موضوع که می‌توانست محور مطالعه قرار گیرد عبارت بود از:

۱ - نقشه میزان تخریب زلزله بم در پنج‌م‌دی ماه ۱۳۸۲، در صد تخریب براساس عکسهای هوایی ۱:۱۰۰۰۰ مورخ هفتم دی ماه ۱۳۸۲ برآورد گردیده است.

۲ - ستاد بررسی آماری زلزله شهرستان بم «گزیده اطلاعات آماری شهرستان بم» مرکز آمار ایران، گزارش شماره ۱، ۱۵ دی ۱۳۸۲، ص ۴.

3. http://www.emrr.who.int/eha/iran_4fano4.htm

4. <http://www.reliefweb.int/w/rwb.net>

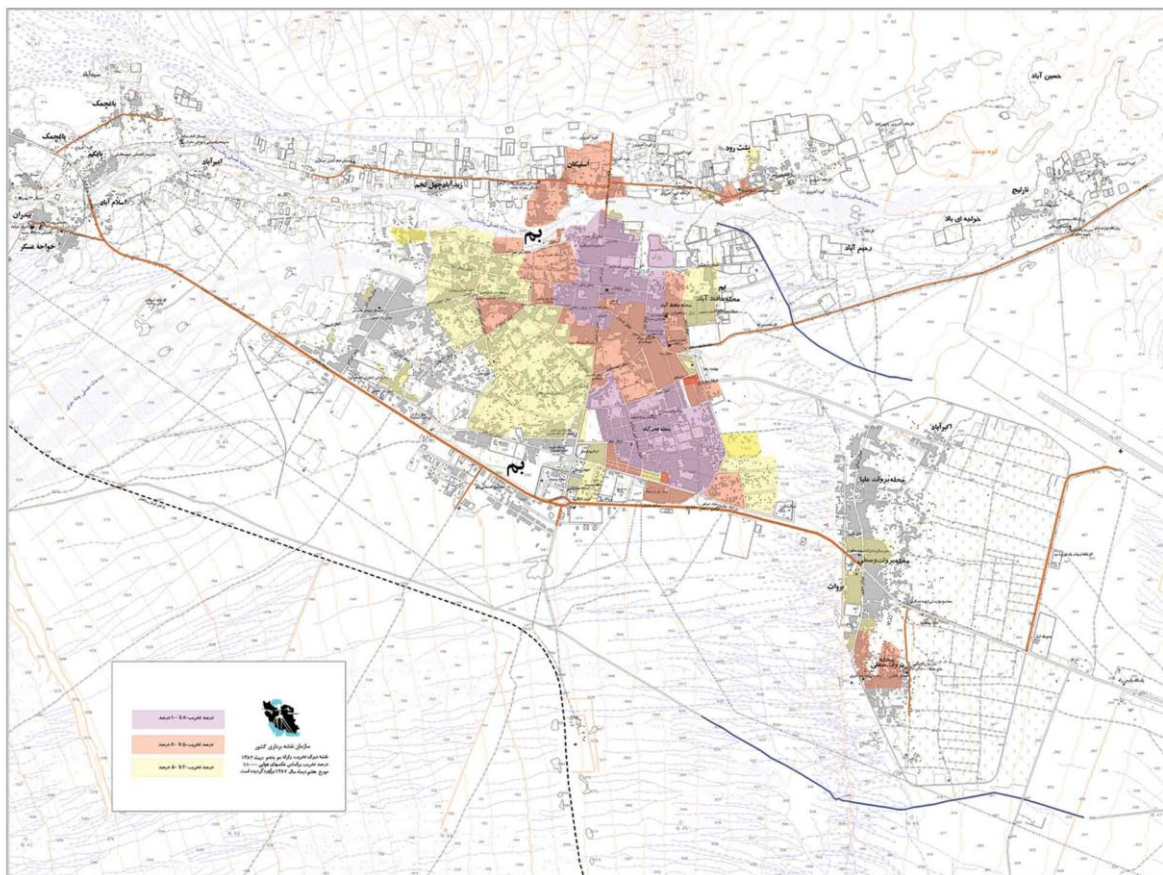
۱- وقوع زلزله تحولات بسیاری را در ابعاد فضایی و کالبدی، ساختار جمعیتی و انسانی و زیر ساختهای اقتصادی، عمرانی و کشاورزی این ناحیه به دنبال داشته است. مجموعه این تحولات و تأثیری که بر زندگی مردم و روند توسعه این مناطق در آینده می تواند داشته باشد، از نقطه نظر مطالعاتی در خور اهمیت است.

۲- با وقوع زلزله استعدادهای انسانی بسیاری برای مقابله با عوارض و آثار آن و نیز کمک به مصیبت دیدگان مجال ظهور یافت. مجموعه این استعدادهای ظهوریافته در چارچوب اقدامات «مدیریت بحران» یا «مدیریت سانحه» هدایت شد. بخشی از این اقدامات در قالب دستگاههای اجرایی، سازمانهای امدادرسان داخلی و خارجی و مجاری رسمی جاری شد. بخش دیگری از اقدامات در شکل کنشهای داوطلبانه مردمی و نیز محلی عملی شد. بررسی این دوجنبه عمده از مدیریت سوانح می تواند ما را به ظرفیت‌های موجود در امر مقابله با بلایا و حوادث آگاه سازد و ارزیابی صحیحی را از عملکرد آنها به ویژه در مناطق روستایی به دست دهد. این موضوع در تحقیق حاضر دارای اهمیت بسیاری است.

۳- در بررسی روند اقدامات جبرانی باید نقطه نظرات و راه کارهای پیشنهادی مردم را مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر باید پذیرفت آنان که در جریان چنین سوانحی بیشترین آسیب‌ها را متحمل شده‌اند، حق دارند که در سیاستگذاری و برنامه ریزی برای ساختن آینده‌ای بهتر و مطمئن‌تر مشارکت نمایند.

یکی از اهداف اصلی مقاله ارزیابی چگونگی مواجهه مردم و عناصر دولتی با رویداد زلزله و انتظارات ساکنان محلی، در ارتباط با رفع عوارض منفی این واقعه ناخوشایند در سطح یکی از نواحی روستایی آسیب دیده و با شیوه مشارکتی است. این مقاله برآیند گزارش تحقیقی است که در خرداد ماه ۱۳۸۳ در نتیجه همکاری گروهی از تسهیل‌گران و همکاران پژوهشی آقایان مهندس مهرداد تیموری، قلندری و خانم‌ها اعظم طایفه حیدری و معصومه رحیم زاده و شمار قابل توجهی از اهالی عزیز و صمیمی

روستای درب باغ با مؤلفان فراهم آمده است، که بدین وسیله از تمامی آنان قدردانی می‌شود.



چارچوب نظری

ابتدا تلاش می‌شود چارچوب مفهومی مدیریت فاجعه مورد بحث قرار گیرد و در مبحث روش شناسی نیز به روش این مطالعه یعنی ارزیابی مشارکتی پرداخته خواهد شد. ترکیب مفهوم «مدیریت» با «فاجعه» معنایی ویژه را به دست می‌دهد که از آن در توصیف چگونگی مواجهه انسان با حوادث گسترده و زیانبار استفاده می‌شود. علاوه بر آن در تشریح «مدیریت فاجعه»^۱ باید به فهم صحیحی از مفاهیم مرتبط همچون حادثه و انواع علت‌های آن، آسیب‌پذیری^۲ و دیگر موارد مشابه دست یافت. با وجود پیشرفت‌های

1 . Disaster management
2 . Vulnerability

چشمگیر دانش فنی، بروز حوادث طبیعی حیات جوامع را در معرض خطر قرار می‌دهد. بشر اندیشمند امروز برای پیشگیری و مقابله با این حوادث ابزارهای مختلف فنی، مدیریتی و اجتماعی را بکار می‌گیرد. مجموعه تلاش‌ها برای پیشگیری و یا کاهش اثرات حوادث را اصطلاحاً «مدیریت فاجعه» می‌نامند و آن را می‌توان ترکیبی از فعالیت‌ها و تخصص‌های مختلف دانست که هدف آن کاهش و یا اجتناب - اگر ممکن باشد - از زیان‌های بالقوه حوادث و اطمینان از امداد رسانی فوری به آسیب‌دیدگان حادثه هنگام ضرورت است (EHA /WHO, 2002).

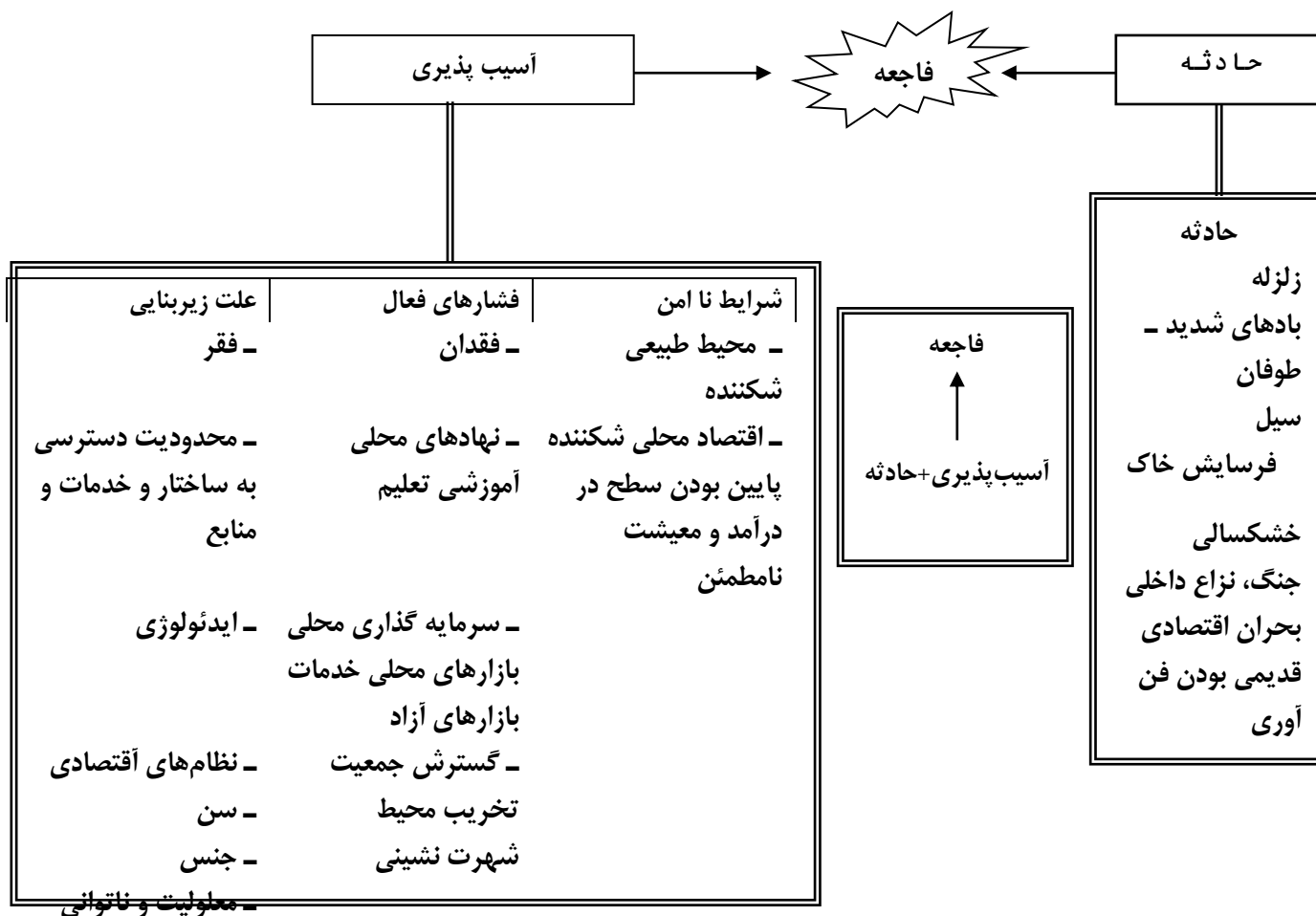
منشا اصلی وقوع یک فاجعه بروز یک حادثه^۱ است و همواره فاجعه از یک حادثه آغاز می‌شود، هر چه ابعاد حادثه غیر قابل کنترل تر باشد، ابعاد فاجعه وسیع‌تر خواهد بود. در تعریف حادثه آمده است که حادثه توسط انسان و یا طبیعت رخ می‌دهد و تهدید کننده زندگی و دارایی انسان است و فعالیت‌ها و محیط‌زیست را در یک منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهد، (همان). حادثه انواع مختلفی دارد که برخی از آنها عبارتند از، زلزله، طوفان، بادهای شدید، سیل، فرسایش خاک، آتش فشان، خشکسالی، جنگ و نزاع‌های داخلی، بحران اقتصادی و قدیمی بودن فن آوری.

۳-۲-۲- فاجعه چیست؟

فاجعه را این چنین تعریف نموده‌اند. رخدادی است که شرایط عادی را بر هم زده و سبب بروز سطحی از آسیب می‌شود که فراتر از قدرت انطباق پذیری جامعه است، (WHO/EHA, P,3) مردم موضوع اصلی آسیب پذیری هستند و بدون حضور آنها فاجعه در ابعادی به مراتب کمتر رخ خواهد داد.

نمودار (۱)، وقوع فاجعه را هنگامی که آسیب‌پذیری با حادثه همزمان می‌شود را نشان می‌دهد.

نمودار (۱) عوامل تشکیل دهنده و موثر در حادثه و آسیب پذیری



Source : paranoiac Emergency training center, Adisa Ababa, p.13

از آنجا که بروز یک فاجعه از دو عامل حادثه و آسیب پذیری شکل می‌گیرد. برای کاهش میزان زیان‌های ناشی از حادثه می‌توان از دو رهیافت عمده سود برد. رهیافت توسعه که با هدف کاهش آسیب‌پذیری جوامع بوده و هدف عمده تمام کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم است. با ارتقاء سطح توسعه اقتصادی در یک جامعه سایر زیربنایهای اجتماعی و فرهنگی نیز تحول یافته و درصد آسیب‌پذیری کاهش می‌یابد، برنامه توسعه هدفی بلند مدت و دست‌یابی به آن دشوار می‌نماید. در رهیافت مدیریت فاجعه به ویژه برای حوادث طبیعی که نمی‌توان از وقوع آن جلوگیری و حتی آن را پیش بینی کرد چون زلزله، آتشفشان، خشکسالی، مدیریت فاجعه روشی در جهت

کاهش آسیب‌پذیری و کنترل فاجعه است. فاجعه‌ها حوادث پیچیده‌ای هستند که با وقوف به این پیچیدگی‌ها می‌توانیم از طاقت فرسایی، جراحت، شکنندگی و آسیب‌پذیری فاجعه بکاهیم، وظیفه مدیریت فاجعه آن است که تلاش کند حوادثی که سبب یک فاجعه می‌شود را از میان بردارد و یا تأثیر آنها را کاهش دهد و یا اینکه تلاش کند آسیب‌پذیری جامعه را در برابر فاجعه به کمترین حد برساند. عموماً دو جنبه متمایز اما مرتبط به هم در مدیریت فاجعه وجود دارد، اول آمادگی برای جلوگیری از فاجعه و پاسخ فوری و دوم توانبخشی (Oxfam, 2003)، و مهمترین زمان برای اعمال مدیریت فاجعه زمانی است که فاجعه رخ نداده است. اغلب طراحی یک استراتژی کمک‌های اضطراری و محلی بخشی از برنامه‌های مدیریت فاجعه است، وقتی یک فاجعه رخ می‌دهد وجود درک درستی از جنبه‌های مختلف حادثه ضروری است. اگر ما ندانیم روند اتفاقات چگونه خواهد بود نمی‌توانیم سازماندهی مؤثری برای پاسخ به آن داشته باشیم. بنابراین آمادگی از اجزای مهم یک برنامه مدیریت فاجعه است.

براساس تجارب دهه‌های گذشته و در تعامل با فاجعه‌های مختلف، مدیریت فاجعه به مراحل مختلفی تقسیم شده است که در جوامع مختلف هر یک از این فعالیت‌ها توسط سازمان و نهاد مشخصی مدیریت می‌شود.

تخفیف فاجعه:^۱ تخفیف فاجعه به اقداماتی برمی‌گردد که اثرات مخرب و کوبنده حادثه را به کمترین حد می‌رساند. این اقدامات در هر زمان می‌تواند انجام گیرد. برای اقدام عملی عموماً ساختار مناسبی برای آن می‌باید تعریف شود، برای مثال کمیته فاجعه در سطح ملی در برخی از کشورها تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها با شهرداری ارتباط مناسبی دارند، در شهرهای ساحلی قوانین ساختمان سازی برای کاهش آثار ناشی از باران و بادهای شدید و گردبادها وضع می‌شود. در نواحی روستایی ممکن است برنامه‌هایی برای جلوگیری از آتش‌سوزی علفزارها و یا بهبود مدیریت آب برای مقابله با خشکسالی طراحی شود. برنامه‌های تخفیف به کمک مهندسان متخصص برنامه‌ریزی فضایی و

مدیریت شهری انجام می‌پذیرد. در فعالیت تخفیف عموماً سه فعالیت عمده صورت می‌گیرد.

۱- **برآورد خطر:**^۱ در برآورد خطر زیان‌های مورد انتظار محاسبه می‌شود، برای این کار وسعت حادثه از طریق نقشه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برآوردی از میزان آسیب‌پذیری تمام عناصری که در معرض خطر قرار دارند، انجام می‌پذیرد.

۲- **جلوگیری:**^۲ ادارات دولتی و شهرداری‌ها عموماً هدایت فعالیت‌های معینی را قبل از وقوع فاجعه به عهده می‌گیرند. این ادارات با ساختن موانعی برای کنترل سیلاب‌ها و یا کنترل اشتعال در مناطقی که علفزارها در معرض آتش سوزی قرار دارند، از وقوع حادثه جلوگیری می‌کنند. فعالیت‌های جلوگیری شامل معیارهای ساختاری همچون قوانین ویژه ساختمان سازی، آب‌بندها، دیوارهای سیل‌گیر و معیارهای غیرساختاری چون برنامه نحوه استفاده از زمین، قوانین، بیمه، آموزش‌های عمومی و غیره می‌شود.

۳- **آمادگی:**^۳ اقداماتی که در مرحله آمادگی صورت می‌گیرد، شامل تهیه و نگهداری تجهیزات مورد نیاز و آموزش افرادی است که می‌خواهند فاجعه را مدیریت کنند. این اقدامات باید تابع قوانین ادارات دولت محلی باشد. اقدامات انجام شده می‌تواند آمادگی در هنگام فاجعه را با داشتن مکانیزم‌های مناسب افزایش دهد.

آموزش عمومی و سیستم‌های اخطار به موقع، از دیگر اقدامات در بخش آمادگی می‌باشد. در بخش آمادگی اقداماتی از قبیل، برنامه‌ریزی برای اقدام، آموزش تیم‌ها، تمرین اخطار به موقع و تخلیه، توسعه وسایل اخطار به موقع، انجام می‌گیرد، اما پس از فاجعه مهمترین فعالیت، پاسخ به فاجعه است.

۴- **پاسخ فاجعه:**^۴ عموماً اقدامات مرحله پاسخ، پس از وقوع حادثه انجام می‌گیرد. عمده این اقدامات مربوط به کمک‌های فوری و اضطراری می‌باشد و به نوعی فعالیت‌های

1 . Risk Assessment
2 . Prevention
3 . Preparedness
4 . Disaster Response

مدیریت بحران نیز در این مرحله قرار دارد. اگر امدادها به موقع و مناسب ارائه نشود. تعداد قربانیان و آسیب‌دیدگان به طور چشمگیری افزایش و سبب بروز بحران می‌شود. در مرحله پاسخ، سه فعالیت عمده امداد، توانبخشی، ترمیم و بازسازی انجام می‌گیرد.

(۱) **امداد:**^۱ دوره امداد عموماً مرحله‌ای کوتاه است، از ویژگی این مرحله مداخله فوری و به موقع است و زمان در این مرحله نقش مهمی در جلوگیری و کاهش خسارات دارد، به همین دلیل سازمان کار در مرحله امداد، می‌باید برپایه امداد رسانی فوری و توانایی در سازماندهی نیروهای مختلف مردمی، دولتی و سازمانهای بین‌المللی و داخلی باشد. در مرحله امداد می‌باید فعالیت‌هایی از قبیل ارزیابی نیازها، کاهش سطح رنج و درد، محدود کردن سرعت و اثرات فاجعه و باز کردن راه برای توانبخشی انجام شود. اقدامات مرحله امداد عموماً شامل جستجو و نجات، ایجاد امنیت، ارائه غذا و آب آشامیدنی، مراقبت‌های بهداشتی و تهیه لباس و پتو می‌شود.

(۲) **توانبخشی:**^۲ به جریان انداختن روال عادی زندگی از وظایف توانبخشی است. پس از وقوع یک فاجعه آسیب‌های روحی شدیدی به بازماندگان و مجروحین حادثه بر جای می‌ماند. مددکاران اجتماعی و متخصصین روانشناسی اقداماتی را در جهت احیای روحیه آسیب‌دیدگان انجام می‌دهند. به طور کلی اقدام توانبخشی در حیطه مدیریت کمک‌های فوری و اضطراری قرار می‌گیرد و این فعالیت‌ها هفته‌ها تا ماه‌ها به طول خواهد انجامید.

(۳) **ترمیم و بازسازی:**^۳ در مرحله ترمیم و بازسازی هدف جبران خسارات وارده به زیربناها و تأسیسات شهری و روستایی است. این اقدام در مرحله بهبود قرار می‌گیرد و در ردیف فعالیت مدیریت کمک‌های فوری و اضطراری قرار ندارد و عموماً چند ماه پس از وقوع فاجعه، عملیات بازسازی شروع می‌شود. هدف بازسازی از سرگیری وظایف

-
- 1 . Relief
 - 2 . Rehabilitation
 - 3 . Reconstruction

اقتصادی و اجتماعی جامعه آسیب دیده است. برای جلوگیری از بروز مجدد فاجعه باید اقدامات احتیاطی و رعایت استانداردها در بازسازی انجام گیرد.

رهیافت مدیریت فاجعه بر پایه جامعه محلی

مدیریت فاجعه بر پایه جامعه محلی یکی از رهیافت‌های مهم به ویژه در کشورهای است که جامعه محلی، درگیر حوادث و بلایای مختلف طبیعی هستند. یکی از استدلال‌هایی که توجه به این رهیافت را مهم جلوه می‌دهد، گسترش ابعاد فجایع طبیعی و انسانی در طول دهه‌های گذشته است.

مدیریت فاجعه بر پایه جامعه محلی توسط نهاد بین‌المللی مدیریت ریسک فاجعه^۱ معرفی شده است. در این رهیافت مردم محلی که در معرض خطر بیشتری قرار دارند باید در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و انجام فعالیت‌های مدیریت فاجعه مشارکت داده شوند. این برداشت به عنوان یک رهیافت در مدیریت فاجعه از اواسط دهه نود قرن بیستم از طرف سازمانهای غیردولتی درگیر در فعالیتهای انسان دوستانه، با استفاده از ابزار «برآورد ظرفیت و آسیب‌پذیری»^۲ به رسمیت شناخته شد. بر این اساس از سال ۱۹۹۵ کارگاه‌های ناحیه‌ای در ناحیه آسیا پاسفیک برگزار و این رهیافت را ترویج و چارچوبی برای کاربرد آن در سطح محلی فراهم کردند.

در توجیه این رهیافت گفته می‌شود که با مشارکت مردم محلی در پاسخ دهی به فاجعه به ویژه در بخش‌های حاشیه‌ای جوامع آسیب دیده، آنها در تعیین نیازهای اساسی خود توانمندتر می‌شوند. مشارکت مردمی تنها در فرایند ارائه مشورت خلاصه نمی‌شود، بلکه سایر مداخلات و واکنشها در برابر فاجعه - همچون جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل‌های موقعیتی، تعیین اقدامات و اجرای برآوردها - را نیز شامل می‌شود. مشارکت آنها بخشی از توانمندسازی برای ایجاد تحول در منابع کنترل کننده و روابط قدرت است.

1 . International Institution Disaster Risk management

2 . Vulnerability and Capacity Assessment (VCA)

به این ترتیب اجتماعات و گروه‌های آسیب‌پذیر بازیگران اصلی مدیریت فاجعه تلقی می‌شوند. آنان حق دارند که در تصمیماتی که زندگی‌شان را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد مشارکت ورزند (Adpc, pz). یکی دیگر از دلایل ضرورت مشارکت مردم محلی، عدم دقت در پیش‌بینی فاجعه است. پیشرفت دانش فنی و مزیت‌های علمی قادر است خطر فاجعه و برآورد میزان تخریبی را که ممکن است به یک شهر، ناحیه و یا یک دهکده وارد کند برآورد کند، اما نمی‌تواند زمان دقیق حادثه را پیش‌بینی کند. بنابراین دانش تنها عنصری نیست که در مدیریت فاجعه به ما کمک می‌کند، بسیاری از مواقع ما با فجایع طبیعی مواجه می‌شویم که مردم نقش مهمی در مدیریت آنها داشته‌اند و جامعه ساکن در محل حادثه در فعالیت امداد رسانی فاجعه درگیر می‌شوند. آنها با دستان‌شان همسایگان را از زیر آوارها بیرون می‌کشند، مجروحان را به بیمارستان منتقل می‌کنند و همسایگانی را که خانه‌های‌شان تخریب شده است، در پناهگاه و غذای خود شریک می‌کنند. در زلزله بزرگ‌هایشن، اواجی در سال ۱۹۹۵، عمده‌ترین پاسخ‌ها توسط همسایگان داده شد. زیرا تیم‌های نجات و واحدهای کمک‌های اضطراری به دلیل خرابی زیر ساختها به موقعیت فاجعه دسترسی نداشتند.

در این حادثه تعداد کسانی که توسط همسایگان و مردم محل نجات پیدا کرده بودند. قابل توجه بود، بعد از زلزله مردم محلی آشپزخانه‌هایی را برای طبخ غذا در مدارس ایجاد و غذا آماده می‌کردند، این نمونه‌ها برای آسیب دیدگانی که بر اثر تخریب، به برق و غذا دسترسی ندارند، مهم است. در این مثال ۸۰ درصد از فرایند بهبود از طریق تلاش دولت انجام گرفت و ۲۰ درصد کارها که مرحله امداد را تکمیل می‌کند از طریق ساکنین انجام شد. (Eiko Nanito, 2003. P.2) دخالت جامعه محلی در مدیریت فاجعه مستلزم ظرفیت سازی و توسعه منابع انسانی، برای بهبود عملکرد مدیریت فاجعه است.

به طور کلی عناصر و عوامل اساسی که در مدیریت فاجعه مبتنی بر جوامع محلی و یا در رهیافت‌های تخفیف با ماهیت جامعه محور^۱ از اهمیت برخوردارند، عبارتند از:

◆ مشارکت مردمی

- ◆ اولویت بخشی به آسیب پذیرترین گروه‌ها، خانواده‌ها و افراد اجتماعی
- ◆ ملاک‌های ویژه اجتماع محلی برای کاهش مخاطرات
- ◆ شناسایی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در امر مدیریت فاجعه
- ◆ کاهش آسیب‌پذیری به واسطه تقویت توانمندی‌ها
- ◆ ایجاد پیوند میان پدیده کاهش مخاطره با پدیده توسعه که به واسطه تشخیص شرایط آسیب‌پذیری و علت‌های آسیب، عملی می‌شود.
- ◆ بیرونی‌ها نقش پشتیبان و تسهیل‌گر را دارند (Lorna P. victoria. P2 6).

روش تحقیق

روش کلی بررسی حاضر « روش ارزیابی مشارکتی روستایی»^۱ است. روش ارزیابی مشارکتی روستایی مجموعه‌ای روش شناختی با ماهیتی کیفی و کاربردی است، که به قصد تواناسازی سکنه محلی در سازمان بخشی به تجزیه و تحلیل‌های خود، برنامه‌ریزی و بروز کنشهای معطوف به توسعه، پدید آمده است.

اصول ارزیابی مشارکتی روستایی تجارب جهانی موجود در روش‌شناسی ارزیابی مشارکتی روستایی گویای اصولی ویژه به شرح زیر می‌باشد:

جریان معکوس یادگیری: یادگیری در خصوص دانش فنی و اجتماعی بومی به صورت مستقیم در جریان مراجعات محلی (مکانی) و رو در رو از روستاییان.

یادگیری سریع و دائماً رو به افزایش پژوهشگر: با کشف آگاهانه و کاربرد قابل انعطاف فنون، وقت‌شناسی و بررسی متقاطع واقعیت‌ها و قابلیت تکرار روش‌های موجود در فرآیند یادگیری از جامعه، عملی می‌شود.

جبران تحریف‌ها: مراجعات تسهیلگران توسعه روستایی باید سهل و راحت باشد و در آن "«شنیدن به جای سخن گفتن "،" تعمق به جای شتاب کردن در درک موضوعات "،" عدم تحمیل به جای مهم جلوه دادن مسائل خاص پژوهشگران" باشد و "جستجوی فقرا و زنان" و "یادگیری" نکات مهم و ترجیحات آنان، اهمیت دارد.

تعادل بهینه: این اصل هزینه‌های یادگیری از اجتماع را با صداقت اطلاعات مرتبط می‌سازد. چنین چیزی از طریق ایجاد و تعادل بین کمیت، ارتباط اجزاء و دقت و تازگی اطلاعات حاصل می‌شود. این مهم با نوعی چشم پوشی و عدم کشف زاید بر نیاز (همچون سنجش افراطی) همراه است.

نگرش سه بعدی: با کاربرد روشها و فنون، انواع اطلاعات و نیز بررسی کنندگان متعدد و قواعد مطالعاتی متقاطع، عملی می‌شود.

تنوع جویی: در جمع آوری اطلاعات، با جستجوی تنوع‌ها به جای میانگین‌ها، به بیشترین اندازه رساندن تنوع‌ها و غنای اطلاعات، تحقق می‌یابد.

تسهیل: تسهیل در بیان آنچه روستاییان در مقام بررسی، تجزیه و تحلیل، ارائه و یادگیری از خود انجام می‌دهند، که توسط محققان تسهیل‌گر صورت می‌پذیرد.

هوشیاری و مسئولیت پذیری توأم با انتقاد از خود: تسهیل‌گران به گونه‌ای مستمر فعالیت خود را امتحان نموده، سعی می‌کنند آن را بهبود بخشند.

به اشتراک گذاردن اطلاعات و آرمانها: این اشتراک بین سکنه محلی و تسهیل‌گران از طریق برگزاری مناسبت‌های آموزشی و تجارب مشترک تحقق می‌یابد. (chambers, 1992, p: 13-15).

در روشهای پژوهش مشارکتی فنونی ساده و درخور فهم همگان برای بررسی موضوعات و تعامل با جامعه محلی وجود دارد. اساس تمام این روشها بر بحث و تشریح آرای جمعی پایه‌گذاری شده است. اما استفاده از ابزارهای ساده همچون گچ، کاغذ، مازیک، کارتهای مقوایی و حتی مدل سازی ساده از اشیا و مکانها برای بیان

تحلیل‌ها، نقطه نظرها و توصیف موارد بسیار معمول است. علاوه بر آن بیان ترسیمی و تصویری در این روشها در زمره مهمترین وجوه تمایز آنها در قیاس با روشهای پژوهش غیر مشارکتی - غیر کیفی به شمار می‌رود.

طرح کلی این پژوهش، با توافق کلی تسهیل‌گران درخصوص سئوالات اصلی، و تکنیک‌های مناسب برای پاسخ به این سئوالات حاصل شد. در پژوهش مشارکتی در صورت ضرورت طرح کلی در مرحله میدانی می‌تواند مورد بازبینی قرار گیرد، در همین راستا تیم تحقیق پیش از شروع فعالیت میدانی، برای شناخت موضوع کار خویش به دو فعالیت عمده مبادرت نمود. به این ترتیب نخست طرحی کلی را در زمینه کار میدانی خود ترسیم نمود و سپس برای دستیابی به توافقی کلی و فهمی مشترک از مأموریت میدانی، اعضای تیم در مورد موضوع کار به بحث پرداختند، این گفتگو سرانجام به طراحی برنامه‌ای عملی برای کار میدانی ختم شد.

اهداف، مباحث اصلی و تکنیک‌های این مطالعه در جدول ۱ آمده است. در این جدول بر اساس اهداف تعیین شده، مباحث مورد بررسی و تکنیک‌ها و فنون ارزیابی مشارکتی آورده شده است. در جدول هدف‌های خاص پژوهش به گروه‌هایی عمده تقسیم می‌شود که عبارتند از: اهداف مربوط به بررسی توصیفی و بیان وضعیت و شرایط عمومی، هدف‌های مربوط به بررسی مدیریت بحران و مدیریت فاجعه و هدف شناخت نیازها، اولویت‌های اجتماعی و محلی و دریافت نقطه نظرات اصلاحی. سپس مباحث عمده در هر یک از سه گروه هدف تعیین شد، برای مثال برای دستیابی به هدف بررسی توصیفی و بیان وضعیت و شرایط عمومی، مباحثی چون مشخصات عمومی و فیزیکی روستا، مباحث جمعیتی، معیشت، منابع طبیعی، خسارت‌های فیزیکی و جانی مورد تأکید قرار گرفت و برای بررسی این مباحث تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی چون گفتگوی نیمه ساختاری، نمودار و نقشه‌های مشارکتی، جداول توصیفی، تاریخچه‌های شفاهی، تکنیک تحلیل معیشت، رتبه‌بندی و شمارش و بازدیدهای مقطع عرضی پیشنهاد شد.

در مرحله بعدی تلاش شد، چارچوب عملیات میدانی مشارکتی براساس مفاهیم کلی مدیریت فاجعه طراحی شود. یکی از مهمترین محورهای آن، بررسی نقش مردم، دولت، نهادهای مدنی و محلی در مراحل امداد، نجات و بازسازی است. هر رفتار در مراحل مختلف فاجعه باید در قالب پنج سؤال اساسی، کجا (شرایط مکانی)، چه کسانی (عاملان)، چه شد (وقایع، عملکرد)، چگونه (روشها) و چقدر خوب یا بد بود (ارزیابی عملکرد) مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. برای مثال در مرحله نجات ابتدا، شرایط مکانی نجات، سپس عاملان آن، در ادامه وقایع و عملکردهای هنگام نجات و چگونگی و روشها، در پایان چقدر خوب یا بد، به عبارتی ارزیابی عملکرد از سوی مردم محلی باید مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۱- سئوالات و تکنیک‌های پژوهش پیرامون عملکرد مدیریت فاجعه

سئوالات	تکنیک‌ها
مشخص کردن فعالیت‌ها و اقدامات قبل از وقوع زلزله	- بحث گروهی، تجزیه و تحلیل روندها
مردم روستا آیا قبل از زلزله برای پیشگیری اقدامی کرده‌اند	- بحث گروهی، تجزیه و تحلیل روندها
مهمترین اقدامات قبل و بعد از زلزله توسط مردم روستا	سیر زمانی
هر کس اولین کاری که پس از زلزله کرد چه بود.	داستان سرایی
عملکرد نهادهای دولت در مرحله امداد در حفظ جان و مال	ماتریس مقایسه‌ای
نقش سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در فرآیند نجات	تحلیل دست اندرکاران و سیر زمانی
چه نهادهایی در مراحل مختلف حضور داشتند. (به ویژه نهادهای محلی)	تحلیل نهادی
افراد، گروه‌های محلی و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی حمایت کننده	نمودار ون
نقش مردم محلی در فرآیند نجات و امداد	جمع‌آوری کارت

بررسی یافته‌ها

در جریان بررسی‌های ابتدایی و اطلاعاتی که از منابع محلی حاصل شد، روستاییان خسارات و صدمات زلزله را طبقه‌بندی و تشریح کردند. از روند انجام گفتگو و یافته‌های حاصل از آن نتایج کلی به دست آمد.

خسارات و صدمات وارده: صدمات و خسارت روحی و فکری زلزله با تمام ابعاد سنگین آن به علت نزدیکی و مهر و محبت روستاییان به همدیگر برای خانواده‌های عزادار قابل تحمل شد و شاید آنان در قیاس با شهرنشینان از لحاظ روحی در وضعیت بهتری قرار داشتند.

- همدلی و مشارکت روستاییان قابل تحسین است.
- اطلاعات دقیقی از تمام صدمات و خسارت وارده به تک تک روستاییان داشتند.
- از حدود ۶۱ خانوار روستا، ۲۳ نفر کشته شده بودند که از این تعداد ۹ نفر خانم و ۱۴ نفر آقا بودند.
- چند نفر مجروح، زیر پوشش اداره بهزیستی قرار گرفته بودند ماهیانه مبلغی نیز به آنها پرداخت می‌شد، خدمات امداد خوبی نیز به آنها بعد از زلزله ارائه شده بود.
- مشکلات فردی و خانوادگی مجروحین زیاد بود و نیاز به رسیدگی زیاد داشت.
- تمام منازل موجود در روستا تخریب شده بود، مگر در موارد استثنایی یکی، دو خانه سالم بودند.
- آب زراعی روستا توسط دو رشته قنات تامین می‌شد که در اثر زلزله تخریب شده بود و توسط جهاد کشاورزی و به کمک کشور ژاپن مرمت و بازسازی شد.
- روستاییان به ویژه جوانان دارای مشکلات زیادی بودند، به ویژه مشکلات روحی و روانی. با این حال خوشبختانه کسی به شکل کامل دچار ناراحتی‌های روانی نشده بود.

پس از این بررسی مقدماتی، گروه بر اساس سئوالات تحقیق (جدول ۱) با مشارکت روستاییان به بررسی جوانب مختلف مدیریت فاجعه در روستای درب باغ مبادرت نمود. در این بخش تلاش خواهد شد که رئوس یافته‌های این پژوهش توضیح داده شود.

فعالیت‌ها و اقدامات قبل از وقوع زلزله

در فاجعه زلزله بم قبل از وقوع سانحه از سوی دولت به دلیل عدم پیش‌بینی دستگاه‌های مسئول اقدام پیشگیرانه‌ای صورت نگرفت. گرچه گسل‌های موجود در نقشه زمین‌شناسی بم از سوی مرکز مطالعات زلزله‌شناسی کشور به عنوان منطقه در معرض خطر زلزله ارزیابی شده بود، اما به دلیل عدم توانایی علمی در پیش‌بینی زمان حادثه عملاً دستگاه‌های دولتی تدبیری برای تخفیف فاجعه اندیشه نکردند، بروز پیش‌لرزه‌ها در شهرستان بم و حومه آن در چند روز قبل از حادثه، که می‌توانست علائم هشدار دهنده‌ای باشد، نیز از سوی دستگاه‌های مسئول جدی انگاشته نشده بود. آن چه جامعه محلی را به خطر بروز زلزله حساس کرده بود، پیش‌لرزه‌ها و اخباری بود که آنها از لرزش زمین در حوالی شهر بم شنیده بودند.

سه عامل اصلی که سبب بی‌توجهی جامعه محلی به این هشدارها شد، عبارت

بود از :

عدم جدی‌گرفتن زلزله از سوی دستگاه‌های مسئول لرزه‌نگاری : مردم اظهار

می‌کردند که روز قبل از حادثه به دلیل لرزش‌هایی که در بم و حومه آن اتفاق افتاده بود، با مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران تماس گرفته شد، اما آن مرکز وضعیت غیرعادی و احتمال بروز زلزله را پیش‌بینی نکرد و هشدار را برای آمادگی مردم توصیه نکرده بود.

سرمای هوا : بنا به اظهار اغلب مصاحبه‌شوندگان در شب حادثه لرزش‌های متعدد

و همچنین صداهایی که از زمین به گوش می‌رسید، عده‌ای را به غیرعادی بودن اوضاع حساس کرده بود، برای مثال خانم‌هایی شب حادثه را اینگونه توضیح می‌دهد

”شب جمعه ساعت ۱۰/۳۰ زمانی که داخل اتاق شدیم، زمین شروع به لرزیدن کرد، اما به زودی زلزله تمام شد، - ساعت ۴/۳۰ صبح بود که متوجه شدم درب و پنجره‌ها شروع به لرزیدن کرد اما دوباره به خواب رفتیم“

یکی از عواملی که با وجود شرایط غیرعادی سبب می‌شد تا مردم خانه‌های خود را ترک نکنند، سرمای هوا در دی‌ماه بود.

باورهای غیرعلمی: وجود چاه‌های متعدد در شهر بم و حومه آن که برای آبیاری نخلستان‌ها حفر شده بود و همچنین قرار نداشتن کوه در اطراف این شهر موجب رواج این باور شده بود که زلزله با قدرت بالا در این شهر رخ نخواهد داد، این باور نقش عمده‌ای در بی‌توجهی به علائم هشدار دهنده وقوع زلزله داشت.

قبل از حادثه این باور شایع، هیچ‌گاه مورد نقد و بررسی مؤسسات تحقیقاتی و کارشناسان قرار نگرفت. این تجربه نشان داد که باورهای غیرعلمی نیز می‌توانند در کنار توسعه نیافتگی اقتصادی، سطح آسیب‌پذیری یک سانحه را افزایش دهند.

اقدامات روستاییان بعد از زلزله و نقش نهادها و عناصر محلی در نجات

سانحه زمین لرزه در حدود ساعت ۵/۲۷ صبح روی داد. به طور طبیعی در زمان وقوع سانحه نوعی سراسیمگی و دست‌پاچگی در واکنش‌های اولیه مردم پس از وقوع زلزله دیده می‌شود. روستاییان در یک تقسیم‌بندی زمانی که از مراحل نجات ارائه نمودند، مشخص کردند که در روز اول سانحه تقریباً از ساعت ۵/۳۰ دقیقه تا ۹ صبح هریک از بازماندگان مشغول کمک‌رسانی و آوار برداری اعضای خانواده و بستگان خویش بود. هر یک از افراد پس از رسیدگی به اعضای خانواده خود به کمک سایر بستگان و نزدیکان می‌شتافت. حساس‌ترین زمان و فعالیت‌ها در این مقطع صورت می‌گرفت. عدم دسترسی به دانش و ابزار کافی برای نجات و انجام فعالیت‌های ناقص و گاه اشتباه از جمله

ویژگی‌های این مرحله است. از ساعت ۹ صبح تا ظهر همان روز به کمک به سایرین اختصاص یافت. در این مرحله برخی توانمندی‌های افراد برای مدیریت و هدایت دیگران، بروز یافت.

- از ساعت ۹ تا ۱۲ روز اول حادثه، اعضاء شورای روستا و برخی از اهالی فرصتی برای سازماندهی پیدا می‌کنند و برای بازکردن معابر و درخواست کمک از خارج روستا اقدام می‌کنند.

- از ساعت ۱۲ تا غروب اختصاص به کفن و دفن اجساد داشته است. غسل دادن، حفر قبر و تدفین مهمترین اقدام بود.

- به دلیل نبودن وسایل، عمل کندن قبر توسط دست و اغلب توسط نزدیکان متوفی چون پدر و مادر آنها انجام می‌گرفت.

- به نظر روستاییان تحلیل‌گر آموزش و تجربه نقش مهمی در امدادسانی و سازماندهی داشت. در روستا تنها کسانی که سابقه جبهه داشتند دارای یک چنین ویژگی‌هایی بودند. اما سایر اهالی فاقد آموزش لازم بودند.

- یکی از تحلیل‌گران که زمانی شاهد روش بانداژ فرد مجروحی قبل از حادثه در بیمارستان بم بود، توانست با استفاده از آن مشاهدات، دو مجروح را در زلزله از مرگ نجات دهد.

- به دلیل عدم رعایت اصول نجات، تعدادی از مجروحین دچار صدمات شدیدی در جریان عملیات نجات توسط اهالی شدند.

- یکی از تحلیل‌گران گفت به دلیل عدم آموزش و اضطراب، محل دقیق فرزندان خود را تشخیص نداده و آوار زیادی را بر روی آنان ریخته بود که سبب فوت آنها شد.

در سایر اظهارات برخی دیگر از روستاییان به ترتیب و تقدم نجات اشاره شده است. نداشتن امکانات، سراسیمگی و غافلگیر شدن در اقدام از جمله دیگر خصوصیات کار در این مرحله است. با وجود برخی کاستی‌هایی که در اقدامات عناصر بومی و خود

سکنه برای نجات و آواربرداری در روز اول فاجعه وجود داشت، نباید وجود برخی مزایا را نیز فراموش کرد. بنا به گفته اهالی تقریباً پس از ۴۸ ساعت اولین امکانات امدادی به خانواده‌ها رسید، تقریباً یک روز پس از زمین‌لرزه اولین گروه‌های امداد و نجات خارج از روستا به درب باغ اعزام شدند. امکانات راهسازی اداره راه و ترابری از جمله امکانات خارج از روستا بود، نباید این نکته را از نظر دور داشت که مهمترین اقدامات نجات و امداد محلی در سه روز اول توسط گروهی از جوانان، زنان و اعضای شورای اسلامی انجام شد. این گروه هسته اولیه نجات و امداد محلی را تشکیل داده بودند. افراد فعالی از این گروه به نجات افراد و خانواده‌ها اقدام کردند. در چهارگوش شماره ۱ مزایای عملیات نجات توسط روستاییان بر اساس گفته‌های خودشان آمده است.

مزایای عملیات نجات در روستا: جامعه محلی سانحه دیده بسیار کوچک و محدود بود. در این جامعه تعداد زیادی از افراد خویشاوند یکدیگراند، وجود این روابط به نجات و امداد افراد کمک زیادی نمود. پاره‌ای موانع عرفی و حتی شرعی در نجات افراد و به ویژه زنان در حالتی که اقربا و محارم آنان به نجات و امداد اقدام می‌کردند وجود نداشت. حتی پاره‌ای از اطلاعات قبلی نجات دهندگان بومی در مورد مشخصات منازل افراد و از جمله مکان‌های خواب و استراحت افراد توانست که جان برخی از حادثه دیدگان را نجات دهد. علاوه بر آن روابط همسایگی در چنین موقعیتی بهتر از گذشته ظهور یافت و عمل نمود. این مزایا در مجموع شرایط زندگی را پس از زمین‌لرزه می‌تواند اندکی قابل تحمل سازد و روستاییان معتقد بودند در مجموع شرایط فعالیت نجات و امداد در روستا بهتر از شهر بم بوده. برخی از این مزایا از زبان دوتن از افراد فعال در نجات (آقایان مهدی حجت آبادی و احمد شجاع حیدری) در چهارگوش ۱ نقل شده است.

چهارگوش ۱- مزایای عملیات نجات توسط روستاییان از دیدگاه خودشان

- ۱- هماهنگی در روستا بیشتر بود.
- ۲- جسارت و جرأت در روستا بیشتر بود.
- ۳- مردم به صورت گروهی عمل می‌کردند.
- ۴- اطلاعات در مورد مکان آسیب دیده و خانه‌ها در مقایسه با شهر بم بیشتر بوده است.
- ۵- سرعت عمل زیاد بود.
- ۶- مشکل امنیتی وجود نداشت.
- ۷- شبکه اطلاع‌رسانی برای گرفتن امکانات از طریق تلفن و افراد سریع بود.
- ۸- گروهی از جوانان، کار گرفتن امکانات را دنبال می‌کردند.
- ۹- جوانان و شورا در روزهای اولیه امکانات را به خانواده‌های ضعیف رساندند.
- ۱۰- از نظر فرهنگی مانعی برای نجات زنان توسط سایر مردهای روستا وجود نداشته است.

ارزیابی عملکرد گروه‌های فعال نجات: برای بررسی و مقایسه عملکرد عناصر

محلی نجات، بخش بحثی گروهی با مشارکت جمع دیگری از روستاییان ترتیب داده شد. یافته‌های این بررسی در قالب روش و تکنیک ماتریس مقایسه‌ای ملاکها و افراد منعکس شد.

جدول ۲- ماتریس مقایسه‌ای ارزیابی عملکرد گروه‌های فعال نجات در روستای درب باغ

نیروهای مردمی داخل روستا (جوانان)	شورای اسلامی روستا	فامیل و آشناها و اطرافیان	نهادها ملاک‌ها
۱۰	۸	۷	هماهنگی بهتر
۷	۸	۱۰	دلسوزتر بودن
۸	۱۰	۵	نزدیک‌تر بودن به محل حادثه
۵	۱۰	۳	داشتن ارتباط با نهادها
۷	۶	۱۰	داشتن وسیله‌ی ارتباطی (نقلیه)
۳۷	۴۲	۳۵	امتیاز

روش کار در این بحث این‌گونه بود که در ابتدا از روستاییان خواسته شد تمام گروهها، افراد و نهادهای فعال در نجات مردم در جریان زلزله بم را نام ببرند. بعد از بحث و بررسی روستاییان با همدیگر، گروههای نجات دهنده مردم معرفی شدند. سپس گروه‌های نام برده شده با استفاده از ملاک‌ها با همدیگر مقایسه شدند. لازم به ذکر است در ابتدای امر مفهوم نجات توسط تسهیل‌گر توضیح داده شد و روستاییان نیز نظر خود را در خصوص آن ابراز داشتند و به یک وحدت نظر در خصوص مفهوم نجات رسیدند. سپس تسهیل‌گر پیشنهاد کرد که روستاییان حاضر در جمع با همفکری یکدیگر در مقام ارزیابی این عوامل نجات دهنده به هریک از ملاک‌هایی که به گروه‌های نجات دهنده تعلق داشت دامنه نمراتی بین ۱۰ تا صفر را در نظر گیرند.

چند نکته اساسی را در نتیجه بحث ارزیابی عملکرد دریافتیم :

- نهادهای محلی می‌توانند نقش‌آفرین باشند. افراد با تجربه و دارای قدرت و توانایی انجام کار حتی بیشتر از نزدیکان فرد می‌توانند به آنها کمک کنند. نیروهای محلی برخلاف انتظار بهتر و زودتر از نیروهای امدادگر توانستند به مردم کمک کنند.
- شورای اسلامی روستا در مرحله نجات به علت داشتن ارتباط با نهادها و سازمانهای موجود در منطقه و جلب مشارکت و حمایت آنان و نزدیک‌تر بودن به حادثه، عملکرد بهتری داشت.
- دلسوز بودن تنها برای مرحله نجات کافی نیست. بسیاری از مردم دوست داشتند نزدیک‌ترین عزیزان خود را از زیرآوار نجات دهند، اما به دلایلی از جمله ترس، عدم توانایی، نداشتن آگاهی لازم از روش و چگونگی نجات در این کار توفیق نداشتند.

عملکرد مردمی و نهادهای دولتی در مرحله امداد

ارتباط با نهادها و سازمان‌های مسئول در سطح شهرستان : یکی دیگر از وظایف شوراهای ایجاد ارتباط و پیگیری از سازمان‌های مسئول در سطح شهرستان برای ارائه کمک‌های فنی و ماشین‌آلات برای عادی‌سازی فعالیت در سطح روستا بود. برای مثال در روز اول حادثه بین ساعت ۹/۳۰ تا ۱۲ که مسئله جستجو و نجات پایان یافته بود، شورای روستا برای بازکردن معابر اصلی روستا پیگیری خود را آغاز می‌کند. روز پس از سانحه برای آواربرداری و بازکردن معابر، دستگاه‌های بیل مکانیکی وارد روستا می‌شود. آوردن تانکر آب برای تأمین آب آشامیدنی، پیگیری برای راه‌اندازی شبکه برق، مخابرات نیز از پیگیری‌های روزهای اول توسط شورا بود.

تشکیل گروهی از جوانان روستا برای جذب کمک‌های مردمی : یکی از اقدامات جامعه محلی در روزهای اولیه حادثه، تشکیل گروهی برای جذب امکانات اولیه از جمله مواد غذایی، پوشاک و چادر و لوازم گرمازا در سطح روستا بود. نحوه توزیع کمک‌های اهدایی قبل از استقرار ستادهای معین و تا زمان سرشماری خانوارهای زلزله زده، نابسامان

بود و محموله‌ها اغلب مورد هجوم واقع می‌شد. به همین دلیل تعدادی از خانوارها به ویژه در مناطق شهری تا هفته اول پس از حادثه موفق به دریافت چادر نشده بودند. در روستای مورد مطالعه گروهی از جوانان به وسیله موبایل و تلفن، شبکه ارتباطی در میان خود ایجاد کرده بودند. برای شناسایی محموله‌ها و اطلاع به گروه و سپس چگونگی اطلاع به مردم و توزیع آن میان روستاییان تقسیم کاری در نظر گرفته شد. از آنجا که روستای مورد مطالعه در نزدیکی جاده ترانزیتی شهر بم قرار دارد. جوانان برخی از کامیون‌های حامل محموله‌ها را متوقف ساخته و در صورت امتناع آنان از کمک به مردم روستا، به شیوه‌های مختلف (از قبیل ارباب، آنها را برای تخلیه کمکها به سمت روستا هدایت می‌کردند. گروهی دیگر نیز در مراکز تخلیه محموله‌ها یعنی شهر بم امکانات مورد نیاز روستا را تهیه و با وسایل نقلیه به روستا می‌بردند. تشکیل گروهی از جوانان از سوی جامعه محلی اقدامی سازماندهی شده در پاسخ به شرایط هرج و مرج در روزهای اول برای حل مشکلاتی چون اسکان موقت و رفع مایحتاج عمومی بود. گرچه نحوه گرفتن امکانات گاهی همراه با تهدید و زور بود، اما توزیع آن به شیوه‌ای نسبتاً عادلانه انجام می‌شد. گروهی از جوانان روستا که در این اقدام سهیم بودند، کالاها را به دو قسمت لوکس و غیرلوکس تقسیم کردند. کالاهایی چون اورکت، وسایل خانگی، چادرهای خارجی و فرش، لوکس به حساب می‌آمد، عموماً این کالاها به روشهای غیرعادلانه‌تر و در میان گروه خاصی توزیع می‌شد. اما در گروه کالاهای غیرلوکس یعنی مواد غذایی، چادرهای معمولی، پتو، لباس توزیع تا حدودی عادلانه‌تر بود. سهم سالمندان و کسانی که نمی‌توانستند در هنگام توزیع حضور داشته باشند توسط جوانان به آنها تحویل داده می‌شد.

این مکانیزم فرصتی را برای سوء استفاده نیز می‌گشود، بنا به اظهار برخی روستاییان برخی از افراد توانسته بودند، به تنهایی تعداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ پتو، ۵۰ تا ۶۰ چادر (چینی و معمولی)، ۵۰۰ هزار تومان لباس و تعدادی چراغ والور را جمع‌آوری کنند و فروش این اموال تبدیل به منبع درآمدی برای آنها شد. شاید بتوان گفت در دو فعالیتی که توسط

جامعه محلی مدیریت شد، - یعنی فعالیت‌های نجات و "جذب کمک‌های مردمی" - در مواردی که جنبه انتفاعی نداشت و یک نوع حس مشترک و همدردی را در جامعه محلی ایجاد می‌کرد، میزان مشارکت عمومی و فعالیت داوطلبانه بالا و شکل انتفاع همگانی بود، اما با مطرح شدن منافع خاص، تعداد مشارکت‌کنندگان کمتر می‌شد و در مقابل انتفاع نسبی جامعه محلی، احتمال متضرر شدن سایر ذینفعانی که فاقد تشکل هستند، افزایش می‌یافت.

ارزیابی عملکرد اهدا کنندگان کالاها: از تحلیل گران خواسته شد نهادهای فعال

در امر توزیع مواد خوراکی و پوشاک را که قبلاً تعیین شده بود را دو به دو با یکدیگر مقایسه و دلیل عملکرد بهتر آنها را بگویند. سپس از روستاییان خواسته شد که عمده‌ترین ملاک‌های تامین کالاها را با توزیع ۱۰۰ امتیاز در بین ملاک‌ها ارزیابی کنند..

- براساس ملاک‌های تعیین شده ۸ ملاک، بسته بندی کالا، زمان بندی توزیع کالا، عادلانه بودن، روش توزیع کالا، مرغوب بودن کالا، توزیع به موقع، توجه به تاریخ مصرف کالا و جور بودن جنس از مهمترین ملاک‌های مقایسه فعالیت‌های نهادهای مختلف، از نظر گروه تحلیل گران بود.

- از میان ملاک‌های مختلف، توجه به تاریخ مصرف (قابل استفاده بودن)، مرغوب بودن کالا (مثلاً لباس نو نسبت به لباس‌های دست دوم) و بسته بندی کالا از مهمترین ملاک‌ها تشخیص داده شد. از نظر گروه تحلیل گران ملاک‌هایی چون عادلانه بودن توزیع، توزیع به موقع و جور بودن جنس در رده‌های بعدی قرار داشتند و ملاک‌های روش توزیع کالا و زمان بندی توزیع کالا و تناوب در امداد رسانی از کمترین اهمیت برخوردار بود. به غیر از نهادهای اهدا کننده کالا، فعالیت‌هایی برای توزیع کمک‌ها توسط ستاد معین آذربایجان غربی انجام شد. ستاد معین آذربایجان غربی از تاریخ آغاز بکار، یعنی بیست و پنجم دی ماه تا هنگام بررسی ۳ الی ۴ روز یکبار جیره غذایی و برخی

پوشاک را توزیع می‌کرد. این کالاها از طریق هلال احمر تأمین می‌شد. کمیته امداد نیز ۴ بار در این روستا به توزیع کالا اقدام کرده بود.

• هلال احمر از نظر تحلیل گران در اغلب ملاک‌ها بالاترین امتیازها را دریافت کرد و دارای عملکرد مناسبی از نظر آنان بود. کمیته امداد و کمک‌های مردمی در اغلب ملاک‌ها نمره پایینی به دست آوردند و از عملکرد مناسبی از نظر گروه تحلیل‌گران برخوردار نبودند. مهمترین مسئله در توزیع کمک‌های کمیته امداد، عدم بسته‌بندی، عادلانه نبودن توزیع، عدم توجه به تاریخ مصرف و ناهمگون بودن کالاها که با اولویت نیاز مردم محلی انطباق مناسبی نداشته، می‌باشد.

جدول شماره ۳- ارزیابی روستائیان از عملکرد اهداکنندگان کالاها

مسیحی‌های ایران	خارجی‌ها	سپاه	کمیته امداد	کمک‌های مردمی	هلال احمر	اهمیت نسبی ملاک‌ها	نهادها ملاک‌ها
--	۱۰	--	۲	۵	۸	۱۵	بسته بندی کالا
--	--	--	۳	۲	۱۰	۵	زمان بندی توزیع کالا
۱۰	۱۰	۱۰	۱	۱	۱۰	۱۰	حساب کتاب (عادلانه بودن)
--	۱۰	--	۲	۲	۱۰	۵	روش توزیع کالا
۱۰	۱۰	۱۰	۳	۲	۸	۲۰	مرغوب بودن کالا
۱۰	۸	۱۰	۲	۱	۱۰	۱۰	توزیع به موقع
--	۱۰	۹	۱	۵	۸	۲۵	توجه به تاریخ مصرف کالا
--	۱۰	۱۰	۱	۱	۸	۱۰	جور بودن جنس

در یک بحث گروهی با تعداد قابل توجهی از مردان روستا نام افراد، سازمان‌ها و نهادهایی که به نوعی در بازسازی و امداد رسانی روستای درب باغ مشارکت داشتند در برگه‌های مجزا توسط روستاییان نوشته شد، از آنان سؤال شد که این نهادها و افراد چه اقداماتی را انجام داده‌اند، سپس کیفیت فعالیت‌های آنها طی یک زمان نسبتاً طولانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است که قبل از همه در مرحله نوشتن، توسط خود روستاییان تعدادی که علاقه و توانایی نوشتن را داشتند، انتخاب شدند.

• برای روستاییان مقایسه و تحلیل نهادها و افراد در یک فضای مناسب بسیار آموزنده بود.

• بدون تعصب و با صداقت هرگونه اطلاعات که در خصوص موضوع داشتند، به جمع ارائه می‌دادند.

• خیلی خوب به مسایل و اقدامات انجام یافته توسط نهادها - بعد از زلزله - آگاه بودند.

• به علت کوچک بودن روستا، خود روستاییان اقدامات انجام یافته را دیده بودند.

• روستاییان قدردان فعالیت‌های امدادی و کمک‌های اهدا شده به آنها بودند.

• در حوزه اسکان دائم هنوز فعالیت چشم‌گیری صورت نگرفته بود. با این حال توسط تعدادی از کشورهای خارجی (آلمان، هلند و ...) فونداسیون تعدادی از منازل، احداث شده بود.

• لباس و مواد غذایی به مقدار زیاد در اختیار روستاییان قرار گرفته بود. کمک‌های مردمی، کمیته امداد، کمک‌های خارجی در این خصوص فعال بودند.

• کمک‌های بعضی نهادها از جمله سازمانهایی از کشورهای خارجی از کیفیت خوبی برخوردار بود.

• در بسیاری موارد کمک‌های انجام یافته از سوی نهادهای ایرانی از نظم خاصی برخوردار نبود.

- جامعه مسیحیان ایران مبلغی پول نقد بین روستاییان به طور مساوی تقسیم کرده بود.
- سرعت کار آوار برداری در روستا از روند مطلوبی برخوردار بود.
- جهاد کشاورزی منطقه توانست با سرعت قنات منطقه را بازسازی نماید.
- در خصوص تسهیلات بانکی برای حصارکشی باغات، وعده‌های داده شده هنوز عملی نشده بود.
- اداره جهاد کشاورزی بلافاصله بعد از زلزله، فعالیت‌های دود دادن درختان نخل، هرس، توزیع کود و علوفه را به خوبی انجام داد.
- کیفیت وسایل کشاورزی اهدایی کشور فرانسه به کشاورزان منطقه، بسیار خوب بود.
- شورای اسلامی روستا در جلب کمک‌های مردمی و برقراری ارتباط با نهادهای ارائه دهنده کمک به خوبی عمل کرد.
- بعضی از کمک‌ها و اجناس دریافتی بعد از گذشت چند ماه از زلزله، هنوز توسط مردم مصرف نشده بود.
- نهادهای بسیار زیادی در امدادسانی و بازسازی مناطق روستایی فعال بودند.
- روستای درب باغ به دلیل نزدیکی به شهر و استقرار در کنار جاده اصلی، امکانات زیادی را جذب کرد.

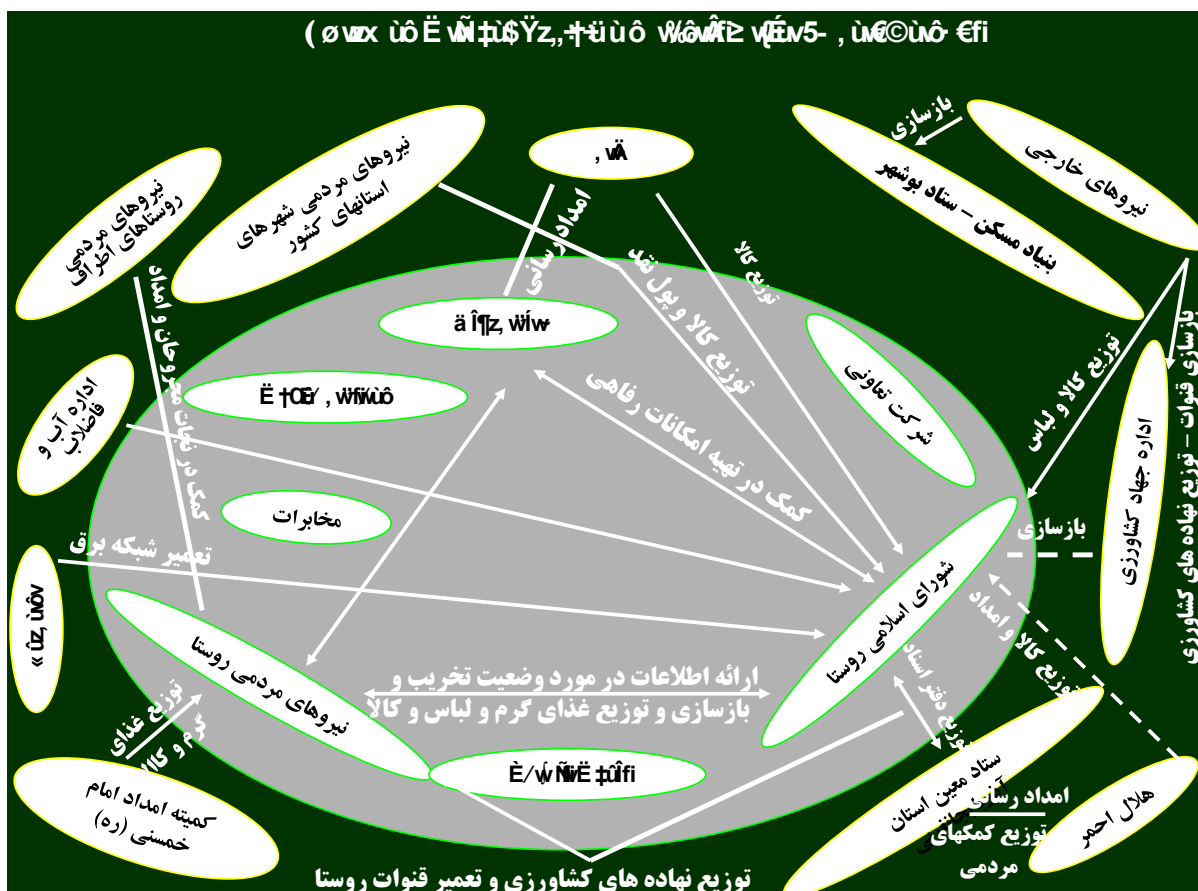
هماهنگی‌ها و ارتباطات میان عوامل دخیل در مدیریت فاجعه

برای پی‌بردن به نتیجه‌گیری جامعه محلی در مورد هماهنگی‌ها و ارتباطات میان نهادها، افراد و جامعه محلی تکنیک تحلیل نهادی به شکل ترسیمی اجرا شد. نتیجه کار در نمودار شماره (۱) ارائه شده است. فرایند اجرا و یافته‌های تکنیک در اینجا توضیح داده می‌شود.

در ابتدای کار توافق شد افراد شرکت کننده در جلسه لیست تمام افراد، سازمان‌ها و نهادهای دخیل در مراحل مختلف امداد، نجات، بازسازی روستای خود را در برگه‌های مجزا بنویسند. سپس هریک از نهادها که نقش بیشتری داشتند با علامت بیضی بزرگتر و نهادهایی با نقش کمتر را با بیضی کوچکتر نشان دهند. این کار در نمودار به وضوح نشان داده شده است. بعد از این کار نهادهای داخل روستا و خارج روستا از هم تفکیک شد. بعد از مشخص شدن نهادها، ارتباط نهادهای داخل و خارج روستا مورد بحث و بررسی قرار گرفت، وظایف و نحوه همکاری آنها توسط خطوط نشان داده شد. نکات قابل توجهی در نتیجه اجرای تکنیک و بحث ارتباطات نهادی حاصل شد. اهم این نکات عبارتند از:

- روستاییان خیلی خوب سازمان‌ها و نهادها را می‌شناختند و درباره آنها صحبت می‌کردند.
- برخلاف انتظار، تعداد نهادهای کمک‌رسان به مناطق روستایی در حد قابل توجهی بود.
- برای بعضی افراد شرکت کننده در جلسه که زیاد نهادها را نمی‌شناختند جلسه بسیار خوب و آموزنده بود.
- شورای اسلامی روستا نسبت به سایر نهادهای داخل روستا نظیر پایگاه بسیج، شرکت تعاونی، نیروی انتظامی، نیروهای مردمی در امداد و نجات فعال‌تر بود.
- ستاد معین استان آذربایجان غربی و نهادهای دیگر مانند هلال‌احمر، کمیته امداد امام خمینی (ره)، اداره جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، ستاد معین استان بوشهر و نیروهای خارجی از فعالان مدیریت فاجعه بوده‌اند.
- عمده‌ترین ارتباطات و تدارکات برای کمک‌رسانی به روستای درب باغ، توسط شورای اسلامی انجام می‌شد.
- نیروهای خارجی و اداره جهادکشاورزی در امر بازسازی قنوات و ارائه کمک به باغداران با یکدیگر همکاری داشتند.

- کمک‌های مردمی و همچنین کمک‌های کشورهای خارجی، از طریق شورای اسلامی روستا به دست مردم می‌رسید.
- کمک‌های کشورهای خارجی در بسته‌های منظم و دارای کیفیت خوب بوده.
- میزان تخریب منازل مسکونی و سایر اطلاعات مربوط به زلزله بم در روستای درب باغ توسط شورای اسلامی روستا در اختیار سایر نهادها از جمله کشورهای خارجی کمک کننده به زلزله زدگان قرار می‌گرفت.
- کمیته امداد امام خمینی (ره)، نیروهای مردمی استانهای دیگر، شورای اسلامی روستا در توزیع غذای گرم برای زلزله زدگان در توزیع با یکدیگر همکاری داشته‌اند.
- توزیع لباس و سایر کالای ضروری از سوی تعداد زیادی از نهادها و سازمانها مانند، کمیته امداد امام خمینی (ره) هلال احمر، ستاد معین استان آذربایجان غربی انجام می‌گرفت.



چهارگوش ۲- کارها و اقدامات پیشنهادی روستایان درب باغ برای پیشگیری از خسارات و مشکلات زلزله

- تخصیص دسته تخصصی در ارتش، با عنوان امدادگر
- وجود یک نهاد متخصص و آموزش دیده برای ارائه خدمات امدادرسانی در هر استان
- رعایت استانداردهای لازم در ساخت و ساز اماکن و منازل مسکونی
- ارائه آموزش‌های عمومی در ارتباط با زلزله و توجه به پیش‌لرزه‌ها به عنوان هشدار
- آمادگی تمام وقت در نیروهای امدادگر
- تجهیز نیروهای امدادگر به وسایل و امکانات مدرن روز
- توجه به شاخص‌های استاندارد در انتخاب و گزینش امدادگران
- آموزش نیروهای امدادگر در قالب برنامه‌های تخصصی
- نظارت دقیق و فنی دولت بر پیمانکاران ساختمان
- عدم شستشوی کشته‌های زلزله در معابر و آبراه‌های عمومی
- جمع‌آوری سریع کشته‌ها و قرار ندادن آنها در معابر عمومی
- توجه به ساخت و ساز راه‌ها و معابر با توجه به استانداردهای لازم
- اجرای عملی مانور زلزله
- ارائه خدمات انتظامی و امنیتی بعد از زلزله

چهارگوش ۳- توصیه تعدادی از زنان روستای درب باغ برای جلوگیری و پیشگیری از خسارات بیشتر

اول در آوردن سر و صورت افراد از زیر آوار

تنفس مصنوعی

اطلاع از زنده بودن افراد

ایستادن در درگاه هنگام زلزله

فرار سریع

توجه به پیش لرزه‌ها

توجه به علائم غیر طبیعی حیوانات (صدای کلاغها ، گاوها و ...)

پرهیز از اعتقاد غیر واقعی به تأثیر چاه‌ها و کوه‌ها در زلزله

پول و طلا و مدارک را همیشه در دسترس داشته باشید

نیازهای اولیه پوشاک و مواد غذایی را آماده داشته باشید

زیر دیوارها قرار نگیرید پس از پیش لرزه‌ها، منزل را ترک کنید

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های نجات و امداد از لحظه وقوع حادثه آغاز می‌شود و اقداماتی از قبیل جستجو و نجات، برقراری امنیت، تأمین آب و غذا، اسکان موقت و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی را تشکیل می‌دهد. این فعالیت‌ها تا روزها پس از حادثه ادامه می‌یابد. بر اساس این تقسیم‌بندی مفهومی می‌توان نتیجه فعالیت عناصر مدیریت فاجعه را بدین گونه خلاصه کرد :

جستجو و نجات: جستجو و نجات از اولین اقدامات در مدیریت فاجعه، به ویژه سانحه زلزله است. سرعت عمل، داشتن امکانات مناسب و آموزش می‌تواند، تلفات جانی سانحه را کاهش دهد. در مناطق روستایی ایران عمده‌ترین مصالح به کار رفته در ساخت

خانه‌ها خشت است و با وقوع زلزله و تخریب، خشت‌ها تبدیل به خاک شده و به سرعت منافذ تنفس گرفتارشدگان در آوار را مسدود و سبب مرگ آنها می‌شود، در روستای مورد مطالعه گروه‌های نجات و امداد دستگاه‌های دولتی با فاصله زمانی قابل توجه به محل حادثه رسیدند. در حالیکه از زمان وقوع حادثه یعنی ساعت ۵/۲۷ بامداد تا ساعت ۹ صبح از سوی جامعه محلی، عملیات جستجو و نجات انجام گرفته بود. گرچه ابزار لازم برای آواربرداری در اختیار جامعه محلی قرار نداشت، اما نوع تخریب و به ویژه مصالح کاربردی در خانه‌های روستایی به نحوی بود که جامعه محلی با ابزار اولیه موفق به نجات و خارج کردن اجساد از زیرآوارها در ساعت‌های اولیه وقوع حادثه شدند. عملیات جستجو و نجات به میزان ۹۸ درصد (گزارش مطالعه، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹) توسط جامعه محلی انجام گرفت. تأخیر یک روزه نیروهای امدادی ناشی از عدم آمادگی قبلی برای مقابله با چنین حادثه‌ای بوده علاوه بر این ابعاد فاجعه در بم سبب می‌شد، تا کانون توجه و امکانات در شهر بم متمرکز باشد. ساختار مدیریت عملیات جستجو و نجات در ساعات اول حادثه غیرمتمرکز و اکثریت جامعه محلی به ویژه آنها که توانایی روحی و جسمی برای انجام این فعالیت را داشتند به نحوی درگیر جستجو و نجات افراد بودند. از آنجا که شدت زلزله و میزان تخریب در روستای مورد مطالعه یکنواخت نبوده و در اغلب خانه‌ها افراد نجات یافته وجود داشت همین اعضاء اصلی‌ترین گروه جستجو و نجات را برای سایر اعضاء خانواده تشکیل می‌دادند. با گذشت ساعتی از حادثه اقوام و آشنایان نیز که در سایر مناطق نزدیک اقامت داشتند با وسایل نقلیه شخصی خود را به روستا رسانده و به یاری جامعه محلی پرداخته بودند. نیروهای مردمی روستا اعم از جوانان و شورا نیز گروه سوم جستجو و نجات را تشکیل می‌دادند که کمک مؤثری به نجات افراد و بیرون آوردن اجساد از زیر آوار می‌کردند. جامعه محلی در تحلیل مشارکتی خود معیارهای، هماهنگی، دلسوزی، داشتن وسیله نقلیه، نزدیک بودن به محل حادثه را برای ارزیابی فعالیت گروه‌های فعال نجات در روستا تعیین کردند.

بر این اساس اقوام و آشنایان به دلیل داشتن وسیله نقلیه که به انتقال مجروحین یاری می‌رساند و دلسوزتر بودن از اهمیت بیشتری برخوردار شدند و نیروهای مردمی نیز به دلیل هماهنگی بهتر و نزدیک‌تر بودن از اهمیت بیشتری برخوردار شدند.

در هماهنگی و آرام کردن هیجان‌ات و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مختلف کسانی که سابقه حضور در جبهه‌های جنگ را داشتند، در مدیریت فاجعه در روستای مورد مطالعه نقش محوری را بر دوش داشته‌اند. این تجربه می‌تواند تأکیدی بر اهمیت آموزش برای مقابله با بحران‌ها در مناطق روستایی باشد. آموزش ندیده بودن جامعه محلی، سبب وارد شدن صدمات به برخی مجروحان سانحه شد.

امداد پس از سانحه به دلیل تخریب وسیع تأسیسات زیر بنایی و شبکه‌های آبرسانی و معابر عمومی، جامعه محلی با نیازهای متفاوتی مواجه بود که اغلب آنها برای تداوم زندگی عادی ضرورت داشت، این نیازهای متنوع عبارت بود از: تأمین آب آشامیدنی به دلیل نابودی شبکه آب لوله‌کشی، بازکردن معابر برای امداد رسانی، تأمین مایحتاج عمومی شامل غذا، تهیه چادر، پتو (از آنجا که سرمای زمستان زندگی در محیط باز را غیرممکن می‌ساخت)، تهیه پوشاک ضروری برای اغلب خانوارها، ترمیم شبکه برق روستا، راه‌اندازی مجدد مخابرات و امکان استفاده از تلفن برای خانوارها، لایروبی نهرها و جلوگیری از خشک شدن نخلستان‌ها به عنوان عمده‌ترین منبع درآمد خانوارها و تأمین وسایل گرمازا. از سوی دیگر مدیریت دولتی بحران در سطح شهرستان بم با مشکلات مختلفی در روزهای اول مواجه بود که برقراری امنیت، جمع‌آوری اجساد و کفن و دفن آنها از جمله این مشکلات بود. بنابراین در روزهای نخست حادثه به ویژه چهار روز اول شرایط هرج و مرج و نداشتن سازمان کار کاملاً در سطح ستادها وجود داشت. طی این چهار روز یعنی تا هنگامی که ستادهای معین استان‌ها با تقسیم کار و وظایف در مناطق مختلف شهری و روستایی استقرار پیدا کنند، فرصتی بود تا جامعه محلی به مدیریت فاجعه بپردازد. جامعه محلی مورد مطالعه در ظهر روز اول مرحله مقدماتی امداد

را پشت سرگذارد و وارد مرحله بعدی، یعنی عادی‌سازی شرایط زندگی برای بازماندگان حادثه شد. الگوی مدیریت فاجعه‌ای، را که جامعه محلی طی چهار روز اول به اجرا گذارد، می‌توان مبتنی بر رهیافت انبساطی - انقباضی دانست. ویژگی این شیوه مدیریت فاجعه انجام فعالیت‌های مختلف به صورت موازی و در کنار هم است، در حالیکه در شیوه مدیریت سنتی فاجعه یعنی رهیافت رفتارهای متوالی، نیازها اولویت‌بندی شده و تیم‌های عملیاتی به طور متوالی عملیات امداد و بازسازی و ترمیم را انجام می‌دهند. برنامه‌ریزی و هماهنگی برای فعالیت‌ها توسط شورای روستا و تعدادی از جوانان داوطلب انجام می‌گرفت و هدف عمده آنها جذب و استفاده از امکانات و تجهیزات برای پاسخ دادن به نیازهای ذکر شده به منظور عادی‌سازی زندگی در جامعه محلی بود. برای انجام این کار شبکه ارتباطی و سازمان کاری غیررسمی، توسط جامعه محلی شکل گرفت. یکی از عوامل مؤثر در موفقیت جامعه محلی برای سازماندهی تأمین نیازهای ضروری، آسیب ندیدن شورای روستا و برخورد فعال آنها به دلیل داشتن تجارب قبلی بود. شیوه‌هایی که برای رسیدن به هدف یعنی تأمین نیازهای ضروری جامعه محلی اتخاذ شد در شکل ایجاد ارتباط و جذب کمک از طریق ارتباطات غیررسمی، ارتباط با نهادها و سازمان‌های مسئول در سطح شهرستان و تشکیل گروهی از جوانان روستا برای جذب کمک‌های مردمی بود.

هماهنگی‌ها و ارتباطات تعداد نهادهای کمک‌رسان به مناطق روستایی در حد قابل

توجهی بود. عمده‌ترین ارتباطات و تدارکات برای کمک‌رسانی به روستای درب باغ توسط شورای اسلامی انجام می‌شد. شورای اسلامی تقریباً در تمام زمینه‌ها نقش همکار و حتی هماهنگ کننده را بر عهده داشت. ستاد معین استان آذربایجان غربی و نهادهای دیگر مانند هلال‌احمر، کمیته امداد امام خمینی، اداره جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، ستاد معین استان بوشهر و نیروهای خارجی از فعالان مدیریت فاجعه بوده‌اند.

منابع

- زرنگار، حمیدرضا؛ رحیمی، عباس. (۱۳۸۴)، ارزیابی مشارکتی مدیریت فاجعه در روستاهای زلزله زده بم: مطالعه موردی روستای درب باغ، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی

- ستاد بررسی آماری زلزله شهرستان بم "گزیده اطلاعات آماری شهرستان بم" مرکز آمار ایران، گزارش شماره ۱ "۱۵ دی ۱۳۸۲.

- Lavell Allan (1999), **Capacity Building and human Resource Development for Disaster Management Concept paper.**

- Disasters and Emergencies definitions, (2002), **WHO/EHA, Panafrican Emergency Training Center**, Addisa, Ababa Updated March 2002 by EHA.

- Narita Eiko, (2003), **Disaster Management as a Social Activity: the achive Beyand what is possible**, through science and technology international Symposium 2003.

- Oxfam(2003), **Oxfam Community Aid Abroad-Emergencies and Disaster.**

- Chambers Robert ,(1992), **Rural Appraisal,Rapid,Relaxed and participatory**, discussion paper 311,susscx institute of development studies (IDS).

- Shaw Rajib, Okazaki Keni, (2003), **sustainability in Grass-Roots Initiatives**, Focus on community Based Disaster Management

- **The Green paper on Disaster Management joint love**

- **University of Wisconsin Disaster Management center**, Principles of Management.

- Rosen Alan, 1996, **Crisis management in the community**, MJA practices Essentials.